

مجموعه جوجه قتل دوبلین

تانافرینچ

همزاد

سعید کلاتی

www.ketab.ir



کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران

کتابخانه ملی و اسنادخانه ایران



www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: فرنچ، تانا. French, Tana ۱۹۷۳-م. ۱۹۷۳-

عنوان و نام پدیدآور: همزاد/ تانا فرنچ؛ [مترجم] سعید کلاتی.

مشخصات نشر: تهران: کتابسرای تندیس، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۷۰۴ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۸۴ س.م.

فروست: مجموعه جوخه قتل دوبلین؛ کتاب دوم.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۸۷۱-۳

یادداشت: عنوان اصلی: The likeness: a novel

موضوع: داستان‌های ایرلندی -- قرن ۲۱م. Irish fiction -- 21st century

شناسه افزوده: کلاتی، سعید سعید، ۱۳۶۱ -، مترجم

رده بندی کنگره: PZ۴

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۶۷۷۶۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

www.ketab.ir



همزاد (مجموعه جوخه قتل دوبلین. کتاب دوم)

نویسنده: تانا فرنچ

مترجم: سعید کلاتی

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۳۰۰

چاپ: غزال

صحافی: کیمیا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۲-۸۷۱-۳

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ تومان

دفتر: تهران، خیابان ولی عصر، نرسیده به خیابان استاد مطهری، خیابان حسینی، رد، پلاک ۱۰ واحد ۲

کتابفروشی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، نرسیده به خیابان استاد مطهری، شماره ۱۹۷۷

www.tandispub.com

تلفن: ۰۲۱۸۸۸۹۲۹۱۷ - ۰۲۱۸۸۹۱۳۸۷۹

تمام حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

پیشگفتار

بعضی شب‌ها، اگر تنها بخوابم، باز هم خواب وایت‌تورن هاوس را می‌بینم. در خواب‌هایم، همیشه بهار است، آسمانی نیمچه روشن و خنک همراه با مه آخرِ بعدازظهر. ابله‌های سنگی فرسوده بالا می‌روم و در می‌زنم - با آن کوبه‌ی برنجی به سیاهی نشسته در گذر سالیان و البته سنگین، که هر بار می‌بینمش باز هم حیرت زده‌ام می‌کند - و پیرزنی پیش بندپوش با چهره‌ای سردوگم چشیده و آشتی‌ناپذیر به داخل راهم می‌دهد. بعد، آن کلید زنگ زده‌ی بزرگ را، که با آن در را باز کرده، از شالش آویزان می‌کند و زیر شکوفه‌های گیلاس آویزان به راه می‌افتد و من در را پشت سرش می‌بندم.

آن خانه، همیشه خالی است. اتاق خواب‌ها عریان و غرق در نورند، تنها پژواک گام‌هایم از روی کفپوش‌ها بلند می‌شود، در دل نور و ذرات غبار چرخ می‌خورد و به‌سوی سقف به پرواز درمی‌آید. بوی سنبل وحشی، که از لای پنجره‌های چهارزاق باز به درون می‌تراود و بوی واکس مخصوص مبلمان به مشام می‌رسد. رنگ سفید قاب پنجره‌ها همه جا پوسته کرده و یک ریشه پیچک روی اُرسی پنجره به رقص افتاده. چند قُمری، خسته و کلافه، جایی بیرون خانه مُعطل‌اند.

در اتاق نشیمن درِ پیانو باز است، زنگ فندق‌ی چوبش برق می‌زند و وقتی زیر

تابش مستقیم آفتاب نگاهش می‌کنی زیادی براق و درخشان به نظر می‌رسد. نسیم همچون انگشتی کاغذ نَت به زردی نشسته را تکان می‌دهد. میز برای ما چیده شده - برای پنج نفر - بشقاب‌های چینی استخوانی‌رنگ و گیلان‌های ساق بلند، چند شاخه پیچ امین‌الدوله‌ی تازه‌بریده‌شده از یک گلدان بلورین؛ اما روی کارد و چنگال‌های نقره‌ای لک شده و دستمال سفره‌های گل‌دار سنگین پر از گردوغبارند. جعبه سیگار دانیل^۱ در محل همیشگی‌اش در صدر میز قرار دارد، باز و خالی تنها با یک چوب‌کبریت تاته سوخته.

جایی در خانه، صداها یی به محوی صدای تلنگری با ناخن، در آستانه‌ی شنوایی‌ام، می‌شنوم: یک کشمکش، زمزمه‌های زیر لب. چیزی نمانده که صدا کاری کند قلبم از حرکت بایستد. آن‌ها نرفته‌اند، گویی همه چیز را اشتباه فهمیده‌ام. فقط جایی پنهان شده‌اند؛ هنوز اینجا هستند، تا ابد و همیشه.

رد صداها ی ضعیف‌تر را اتاق به اتاق دنبال می‌کنم، پای هر پله می‌ایستم و گوش می‌سپارم، اما هرگز به اندازه‌ی کافی سریع نیستم: صداها همچون سرابی محو می‌شوند، همیشه درست پشت آن دریا بالای آن پله‌ها. نیش خنده‌ای تیز در نطفه خفه می‌شود؛ صدای جیرجیر چوب درهای لولادار کمد را باز رها می‌کنم، پله‌ها را سه تا یکی بالا می‌دوم، به بالا که می‌رسم ستون مارپیچ را دور می‌زنم و یک نظر حرکت چیزی را در گوشه‌ی چشمم می‌بینم: آینه‌ی قدیمی پر از لک در انتهای راهرو، تصویر صورت خندانم را فریاد می‌کشد.